

بناسبت جشن اول ماه مه

درود به طبقه کارگر قهرمان ایران

درود به طبقه‌ای که ستاره رهبری از خاندان سائهای ولادت بر پیشانی وی میدرخشید

هنوز نوزادی بیش نبود که در انقلاب مشروطه شرکت جست و ضرب شست نشان داد. هنوز دهه دوم قرن بیستم آغاز نشده بود که سازمان سیاسی خود را بوجود آورد و بعنوان عنصری مستقل در جنبش ضد استبداد و ضد استعماری بعمل پرداخت. انقلاب حزب کمونیست ایران با نهضت جنگل و شرکت نمایندگان وی در دولت انقلابی، گواه آن بود که طبقه کارگر ایران بصورت نیروی موتوری در جامعه ایران درآمده است. تحلیل طبقاتی جامعه ایران و طرح تشکیل جبهه انقلابی واحد که برای نخستین بار از طرف حزب کمونیست ایران انجام گرفت با وجود نقائص و اشتباهاتش حاکی از آن بود که انقلاب ایران راهبری نویسی فراز آمده است. طبقه کارگر ایران بیکرترین نیرو برضد حکومت مستبد و دست نشانده رضاشاه بود و هم او بود که در دومین کنگره حزب خود انقلاب مسلحانه را در دستور روز قرار داد. اینکه چندین سال پس از شکست حزب کمونیست ایران عدمای از روشنفکران برهبری انقلابی ارجحندی چون دگرارانی بموضع طبقه کارگر پیوستند نشانه آن بود که طبقه کارگر بصورت وجدان اجتماعی خلق ایران درآمده است.

پس از شهریور ۱۳۲۰ نخستین طبقه‌ای که قدم در میدان نهاد طبقه کارگر بود و یگانه حزب معتبری که در ایران تشکیل شد حزب طبقه کارگر یعنی حزب توده ایران بود (که شاسفانه امروز بدست ریزینویستها در سرانحسب سقوط افتاده است). از این به بعد طبقه کارگر دوران پرتلاطم و آموزنده‌ای از اشکال مختلف مبارزه را مانند مینیکه، دموستراسیون، اعتصاب، درگیری با پلیس و ارتش از سر گذراند و اشکال مختلف سازمانی خود را مانند اتحادیه، صندوق تعاون و حزب تکامل بخشید. بدون تردید در تاریخ اخیر ایران طبقه کارگر کشور ما که روز بروز بیشتر به ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم مجهز میشد در بیداری و رهبری توده‌های زحمتکش مهترین نقش را ایفا کرده است. در این مدت طبقه کارگر در مرکز تاریخ کشور ما قرار داشته است. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ درندترین حملات ارتجاعی و امپریالیسم بر طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی وی صورت گرفت. هم اکنون نیز محمد رضاشاه با آنکه شعبده حزب بازی را برای فریب مردم لازم میسازد و عدمای از روشنفکران، دانشجویان و اصناف و غیره را باین بازی جلب کرده است جرات ندارد به طبقه کارگر نزدیک شود تا مبادا این "عول خفته" را بیدار کند. فریب "سهیم کردن کارگران در سود کارخانه" در کار هست، سند بگای خالی از عضو و عاری از سیاست در کار هست، ولی جلب کارگران حتی با حزبات سیاسی شوماخته نیز در میان نیست زیرا که محمد رضاشاه بازیکر از بازی با آتش میترسد.

طبقه کارگر ایران در اثر اینکه تا آخر انقلابی است بهترین هر طبقه دیگر تشکیلی پذیرد، با شرقی ترین رشته اقتصاد یعنی صنعت سوکار دارد و رشد او با رشد صنعت همراست است. ایدئولوژی او یعنی مارکسیسم - لنینیسم یگانه ایدئولوژی علمی و تا آخر انقلابی است، تجارب او در مبارزه بیش از هر طبقه دیگر است بحق شایستگی رهبری انقلاب ایران را دارد.

انقلاب دموکراتیک و ملی ایران بدون چنین رهبری نمیتواند بقیه درص ۳

نامه تبریک سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان به حزب کمونیست چین بناسبت نهمین کنگره آن حزب که روز اول آوریل در پکن انعقاد یافت

نهمین کنگره حزب کمونیست چین

رفقای ارجمند

نهمین کنگره حزب کمونیست چین را که بزرگترین کنگره آن حزب و حادثه‌ای عظیم در نهضت کمونیستی جهانی است بشما و بوسیله شما به همه اعضا، حزب و به همه خلق پر افتخار چین تبریک میگوئیم.

در اهمیت این کنگره همین بس که پیروزی اندیشه مائوسه را اعلام میدارد. کنگره نهم تجارب انقلاب کبیر فرهنگی پرلتری و تجارب مبارزه برضد ریزینویسم معاصر را جمع بندی خواهد کرد. حزب کمونیست چین و خلق چین در این هردو جبهه به پیروزیهای درخشان نائل آمده‌اند.

انقلاب کبیر فرهنگی پرلتری که بر پایه اندیشه مائوسه‌دین و برهبری او انجام گرفت بقا، طبقات و ضرورت مبارزه طبقاتی را در تمام دوران دیکتاتوری پرلتراریا بنیاد کرد و راه رهبری این مبارزه، راه جلوگیری از قدرت یافتن طبقات سرنگون شده و احیای سرمایه داری، راه ریشه کن ساختن بوروکراتیسم را به جهانیان نشان داد.

انقلاب کبیر فرهنگی پرلتری با افتخار در دو دسته مزدبگیر لیبشائوسی و سرکوب این عمال نقابدار سرمایه داری و با تشکیل کمیته‌های انقلابی در سراسر چین (باستثنای جزیره تایوان) امید امپریالیستها و ریزینویستها را در تخمیر سرشت انقلابی حزب کمونیست و جمهوری تودمای چین به یاس سرگآوری جدل ساخت. انقلاب کبیر فرهنگی پرلتری چین بجایان آموزش که چگونه باید ایدئولوژی بورژوازی را بر انداخت و ژرف ترین نهاد بشری را محول کردانید. آموزش رفیق مائوسه دون در باره انقلاب کبیر فرهنگی پرلتری برای همه خلق های انقلابی جهان، همه سازندگان جامعه سوسیالیستی، همه کمونیست‌هایی که در کشورهای تسلطه ریزینویسم بسر میبرند حاوی اهمیت درجه اول است.

نهمین کنگره حزب کمونیست چین در شرایط تقویت و تشکیک احزاب و گروههای مارکسیستی - لنینیستی که در زیر درفشی ظفر بخش تعالیم مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوسه‌دین در شاهراه انقلاب روان اند، در شرایط شکست ریزینویسم معاصر در لکنه جبهه هاتشکل میشود. تحریکات ریزینویسم شوروی در مرز جمهوری تودمای چین که در زمینه همکاری آنها با امپریالیسم آمریکا صورت میگردد در بر خورد با سد پولادین هفتصد میلیون خلق انقلابی آیدید چین در هم شکست و در افکار عمومی جهان با شکست عظیم سیاسی روبرو شد.

بدون تردید این امر در افتخار ماهیت ریزینویست‌نهادی خلق شوروی که آنچه سنن بزرگ انقلابی دارد و مانند همه خلق های جهان در مبارزه با امپریالیسم و ساختمان جهان نو دوست و دستیار خلق چین است تاثیر بی بس مهم داشته و خواهد داشت.

نهمین کنگره حزب کمونیست چین در شرایطی تشکیل میشود که کامیابهای جمهوری تودمای چین در زمینه سلاح اتئی، پیشرفت شکست انگیزی را در پژوهش علمی و در امر تولید صنعتی به جهانیان اعلام داشته، ضربه شکننده‌ای بر سیاست شاتاز اتسی امپریالیسم آمریکا و ریزینویسم شوروی وارد ساخته، وثیقه معتبری برای صلح جهانی بدست داده، به خلق هائی که در راه آزادی و استقلال مبارزه میکنند امید نوی بخشیده است.

ما یقین داریم که حزب کمونیست چین از این کنگره بیکارچه نیرومندتر با خلق پیوسته‌تر میرون خواهد آمد و جمهوری تودمای چین که در غلبه ناپدید سوسیالیسم و مهد انقلاب جهانی است در تحول انقلابی جهان نقش باز هم مهتر و قاطعی بازی خواهد کرد.

ما برای حزب بزرگ کمونیست چین و خلق پرافتخار چین پیروزیهای روزافزونی خواستاریم.

ما برای پیشوای پرلتراریای جهان رفیق مائوسه در این عمر دراز آرزو مندیم.

موفق باد نهمین کنگره حزب کمونیست چین.

برافراشته باد درفش ظفر بخش آموزش مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوسه‌دین.

استوار باد انترناسیونالیسم پرلتری.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ۱۹۶۹/۴/۲

پراکندگی سازمانی و تهرکز رهبری

که مراعات این قاعده کار حزب با سازمان‌انگه میکند باشکوه می سازد میتوان از آن چشم پوشید. در اجرای اصل پنهانکاری آموختن تجارب دیگران، بکارانده اختن فکر و ابتکار خود هر سار بنسب شرایط شخصیت، در گرفتن از افراد حزب و توده های پرر میواند بنتایج مطلوب بیانجامد و کوششهای پلیس و سازمان را باناکامی مواجه گرداند.

علی رغم مراعات حد اگر پنهانکاری شکل بتوان در تمام گره های حزب و برای همیشه از دستبرد دشمن برکارمانند. در حال حاضر دشمن نیروی بسیاری دارد و در مبارزه از وسائل وامکانات فراوانی برخوردار است. مابریکس در آغاز کار نیروی چندانی ندارد و وسائل وامکانات محدود و دشمن ناچیز است. در ضمن مبارزه با پلیس و سازمان امنیت هنوز تجربه ای نیندخته ایم. با پلیس ترتیب احتمال اینکه دشمن موفق گردد در درکوشه ای از حزب دستبرد ی بزند کم نیست. از این روشنگ سازمانی حزب باید طوری باشد که ضایعه بعداقل تقلیل یابد، محدود پنهان گوشه کرد و سراسر حزب توسعه پیدا نکند. اصل پراکندگی سازمانی در صورتیکه با داناتی و اذقت مراعات گردد این منظور را برخواهد آورد.

اصل پراکندگی سازمانی باین معنی است که کوشش سازمانها پیش از آنچه که در صق باشد در سطح است، یعنی بجای آنکه در فکرایجاد سازمانی وسیع در یک نقطه مثلا در یک شهر باشیم به دنبال تحقق آن برویم (آنگونه که تاکنون معمول بوده است) لااقل است توجه خود را قبل از هر چیز با ایجاد سازمانهای کوچک پراکنده ای در نقاط مختلف کشور، در شهرها و روستاها معطوف داریم. همین اصل پراکندگی سازمانی را در صورتیکه باشهری بزرگسر بقیه درص ۲

هیئت حاکمه ایران و در رأس آن شاه باندازه ای از جنبش مردم بیضاک است که هرگونه سازمان یا گانوتیکه از خلق بر خیزد و بخلق تکیه داشته باشد با پیروسی شگرفی سرکوب میکند. واکنش شدید شاه در قبال هرگونه جنبش خلق، نشانه قدرت وی نیست نشانه ضعف او است، نشانه آنست که وی علی رغم انقلابات ۲۱ گان خود نتوانسته است در میان توده های مردم پایگاهی برای خود بیابد.

در برابر واکنش سیمانه طبقات حاکمه، حزب طبقه کارگر برای ادامه و توسعه مبارزه باید ناگزیر سازمانهای خود را از دستبرد دشمن صون نگاهدارد و در صورتیکه بخشی از آن مورد دستبرد قرار گرفت قادر باشد فعالیت خود را دنبال کند، سازمانهای خود را گسترش دهد و آن نیروی را که از دست داده است دوباره بدست آورد.

برای آنکه بتوان سازمانهای حزب را از تعرض پلیس و سازمان امنیت دور نگاه داشت باید پنهانکاری را بحد اکثر مراعات کرده افراد سازمان را حتی المقدور کتر بیکدیگر شناسانید و در آنجا که تناس افراد (تناس زنده) ناگزیر است این تناسب بدین زکرتام افراد بالااقل بانام مستعار صورت گیرد. نه تنها اختفای ناچهره است بلکه اطلاع هر فرد از آدرسه محل اقامت دیگری زیانمند است و باید از آن دوری کرد. باید وسائل و طرقی یافت که بکک آنها بتوان در صورت لزوم ارتباط افراد را بدین آنکه میان آنها ملاقاتی دست دهد برقرار کرد. چنین وسائل و طرق کم نیست، کافیت افراد فکروابتنکار خود را بکارانند از بد برای آنکه پیوسته راههای تازه و تازه نوی بیابند. اختفای ناچهره افراد از یکدیگر قاعده است کلی که باید آنرا اکید معمول داشت معذک در حالات استثنائی

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته بوجود حزب انقلابی پرولتری است

مبانی تشکیلاتی حزب طبقه کارگر

نوشته زیرین خلاصه‌ایست از تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی که بوسیله کمیسیونی برپاست استالین تنظیم شد و در سال ۱۹۲۸ انتشار یافت. در این نوشته آموزش‌لنینی در باره مبانی تشکیلاتی حزب طبقه کارگر جمع‌بندی شده است.

۱- حزب مارکسیستی و بخشی از طبقه کارگر است، گردانی از آن است. طبقه کارگر گردانهای بسیاری دارد. ولی هر گردان طبقه کارگر را نمیتوان حزب طبقه کارگر نامید. وجه تمایز حزب از سایر گردانهای طبقه کارگر، پیش از همه در آنست که حزب طبقه کارگر گردان عادی نیست بلکه گردان پیش‌آهنگ گردان آگاه و گردان مارکسیست طبقه کارگر است و دانش‌زندگی اجتماعی و دانش‌قوانین تکامل زندگی اجتماعی، با دانش‌قوانین مبارزه طبقاتی مجهز است و بالتبع نتیجه مینماید هادی طبقه کارگر باشد و مبارزه او را رهبری کند. از اینجهت همچنانکه نباید جزء را با کل شنبه ساخت نباید حزب را با طبقه کارگر شنبه ساخت.

۲- حزب نه فقط گردان پیش‌آهنگ و آگاه طبقه کارگر است بلکه گردان خشک طبقه کارگر هم هست و از انضباطی که برای اعضا وی حتی میباید برخوردار است. از اینجهت اعضای حزب ضرورتاً باید عضو یکی از سازمانهای حزب باشند. اگر حزب گردان خشک طبقه کارگر نباشد، اگر حزب سینتی سازمانها نباشد بلکه مجموعه ساده ای از افرادی باشد که خودشان خود را اعضا حزب مینامند و وارد هیچیک از سازمانهای حزب نمیشوند یعنی خشک نیستند و بالتبع نتیجه به تبعیت از تصمیمات حزب طرز نمیباشد در آنصورت هیچگاه حزب اراده واحد نخواهد داشت هرگز نخواهد توانست وحدت عمل اعضا خویش را تحقق بخشد و بنابراین به رهبری مبارزه طبقه کارگر قادر نخواهد شد. حزب فقط در صورتی میتواند مبارزه طبقه کارگر را عملاً رهبری کند و آن طبقه را بسوی هدف واحدی در حرکت آورد که همه اعضایش در گردان واحدی که در اثر اراده واحد و وحدت عمل و وحدت انضباط یک پارچه شده است خشک شده باشند.

۳- حزب نه فقط گردان خشک است بلکه در میان کسبه سازمانهای طبقه کارگر "عالیترین شکل سازمان" است که وظیفه رهبری سایر سازمانهای طبقه کارگر را برعهده دارد. حزب به مثابه عالیترین شکل سازمان و مرکب از بهترین افراد طبقه که با تئوری پیشرفته با دانش‌قوانین مبارزه طبقاتی و تجربه جنبش انقلابی مجهز است همه گونه امکان دارد که سایر سازمانهای طبقه کارگر را رهبری کند و موظف است که رهبری کند.

۴- حزب ظهور ارتباط گردان پیش‌آهنگ طبقه کارگر است با توده ملی طبقه کارگر. حزب اگرچه بهترین گردان پیش‌آهنگ باشد و اگرچه بخشی خشک باشد معذک بدون ارتباط با توده ملی غیر حقیقی و بدون گسترش این ارتباط بدون تحکیم آن نمیتواند زیست کند و رشد یابد. حزبی که انزواگرا از توده ملی کشور است و ارتباط با طبقه خود را از دست بدهد و بلختی ست گرداند اعتماد و پشتیبانی توده هارا از دست خواهد داد و بالتبع نتیجه بناچار فنا خواهد شد. حزب برای آنکه بتردگی کامل برسد و رشد یابد باید ارتباط با توده هارا افزایش بخشد و از اعضا توده های طبقه کارگر خویش بهره خورده و...

۵- حزب برای آنکه درست کار کند و توده هارا منظم رهبری کند باید بر پایه مرکزیت خشک یابد، با آئین نامه واحد، با انضباط واحد، با ارگان واحد رهبری که عبارتست از کنگره حزب و در فاصله بین کنگره ها کمیته مرکزی حزب، با تبعیت اقلیت از اکثریت، با تبعیت هر یک از سازمانها از مرکز، با تبعیت ارگان های پایین از ارگانهای بالا. بدون این شرایط حزب طبقه کارگر نمیتواند حزب واقعی باشد نمیتواند وظائف خود را در رهبری طبقه کارگر انجام دهد.

پراکندگی سازمانی و تمرکز رهبری بقیه از ص ۱
جمعیت سرگردار هم بگردد هم بدین ترتیب توسعه هر سازمان در هر جا که باشد حتی در داخل یک شهر پیوسته اگر سخن بر سر شهر بزرگ باشد تا درجه معینی از عقب پیش میروند پس از آنکه اعضای سازمان بتعداد مناسبی رسید ضوابط میگردند. گسترش بعدی حزب بصورت سازمان دیگری در کنار سازمان نخست بدون ارتباط با آن عملی نمیشود. سازمانهایی که بدین ترتیب در کنار هم پدید میآیند از یکدیگر بیگانه میمانند و در صورتیکه یکی از آنها مورد دستبرد قرار گیرد و از فعالیت آن ممکن نگردد سازمانهای دیگر که در کنار آنند از این دستبرد مصون میمانند و فعالیت خود ادامه میدهند.

وجود سازمانهای پراکنده مستلزم مرکز رهبری واحد است: مرکزی که این سازمانهای پراکنده را بیکدیگر پیوند دهد فعالیت همه جانبه آنها را وحدت بخشد و هماهنگ سازد. بدون مرکز واحد رهبری فعالیت سازمانها از جد و مسائل محلی فراتر نمیرود و چه بسا پس از مدتی در کار آنها تئوری و روش پدید میآید و سازمان دستخوش تلاشی میگردد بدین جهت پراکندگی سازمانی و تمرکز رهبری دوری مختلف یک مدال، دو جهت مختلف یک تضاد است و وجود یکی بدون دیگری امکان پذیر نیست.

دو اصل تشکیلاتی فوق همراه با اصولی نظیر رجمان تنها برکت و تلفیق کار عملی با کار علمی و نکات دیگری که نتیجه بداند در شرایط ایران ضروریست بدون شک حزب طبقه کارگر امکان می دهد سازمانهای خود را حتی المقدور از دستبرد دشمن مصون دارد آنها را گسترش دهد و مبارزه خود را در تمام زمینه ها دنبال کند.

رامرهای خلق کرد بقیه از ص ۱... بر سر رهبری برای رهائی خلق از ستم ملی و نسل بنسای کامل حقوق مبارزه کند. تنها راه آینده پس از آنکه اقلیت های ملی کرد در هر سه کشور آزادی خویش را بدست آورده آنگاه خلق کردستان میتواند تصمیم بگیرد که دستار واحدی بوجود آورد و یا هر کدام در چهارچوب کشورهایی که در آن آزادی نائل آمده همچنان باقی بماند.

آنچه کارمزاد اقلیت های ملی ایران و آزان جمله خلق کرد را از حقوق ملی خویش محروم ساخته طبقه حاکم از جملای ایران و آمریکا. لیسیم پختیمان آنست برای بدست آوردن حقوق ملی باید در درجه اول و قبل از هر چیز سلطه طبقه حاکم را برانداخت و امریالیم را ریشه کن ساخت. تضاد خلقهای ایران و امریالیم حامی آن تضاد عمده جامعه است. بدون حل این تضاد، تضاد ملی دیگر جامعه ایران و آزان جمله تضاد میان خلقهای ایران از این حیث فیصله داد حل تضاد های فرعی جامعه ما کسب مسئله در زمره آنست وابسته بحل تضاد عمده است و نه بالعکس. حل مسئله ملی در ایران یکی از شرایط پیروزی مبارزه عمومی مردم ایران نیست، بالعکس پیروزی مبارزه عمومی مردم ایران بردشتمان خلر شرط قطعی حل مسئله ملی است. تکیه بر روی مسئله ملی و عدم شمرن حل آن بر پیروزی انقلاب بجای آنکه مبارزه خلقهای ایران و از آنجمله خلق کرد را در مسیر واحدی اندازد کار راه نفاق و افتراق خواهد کشانید و مبارزه عمومی مردم ایران را گرفتار شکست و ناگامی خواهد کرد. مبارزه عمومی مردم ایران طبقه طبقه حاکم ارتجاعی و امریالیم پشتیبان آنهاست. هر هر مبارزه دیگر است و خلق کرد طبقه دارد دست در دست خلقهای دیگر ایران این مبارزه را تا پایان به پیش برد. با پیروزی انقلاب ملی و مکرماً تک بر رهبری طبقه کارگر آن وظائف انقلاب که جنبه دیکراتیک دارد و حل مسئله ملی یکی از آنهاست تحقق خواهد پذیرفت بدیهیست در جریان انقلاب هرگاه امکان آن پیش آید که در این یا آن بخش از کشور این با آن وظیفه دیکراتیک بتحقیق در آید حزب طبقه کارگر تنها از آن روی نخواهد گردانید بلکه آنرا عامل ضروری پیشرفت مبارزه عمومی مردم ایران مینامد و مسلماً بانجام آن خواهد پرداخت.

چنین است آن راه حلی که برای رهائی از ستم ملی ضروریست از تساهلی کامل حقوقی در برابر خلق کرد قرار دارد. سازمان ما آماده است در برابر این مسائل فوق با هر مسئله دیگری که با سر نوشت خلق کرد مربوط باشد با دوستان کرد به بحث و تبادل نظر پردازد.

چشم بندگی!

روزیونیستهای حزب توده ایران در دفاع از دوستی روزیونیستها شوروی و محمد رضا شاه چنین نوشتند:

مخالفتان بهیچود مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی به تناقض جیبی گرفتار آید مانند "اخیرا در کنگره محکوم کردن کک" کشورهای سوسیالیستی بایران از تجارت کشورهای سوسیالیستی در ایران نیز صحبت میشود... مخالفان بهیچود مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی با "تئوری تجارت" در تناقض با "تئوری کک" افتاد مانند. چون اگر کسی به کسی کک میکند دیگر غارت وی معنی ندارد و اگر کسی دیگری را غارت میکند دیگر از کک سخنی نمیتواند باشد.

گذشته از این، اگر آنطور که مخالفان میگویند بهیچود مناسبات کک به مردم ایران نیست بلکه کک به رژیم است پس غارت همین غارت مردم نیست، غارت رژیم است... و اگر کک به مردم ایران است پس غارت مردم ایران به معنی است.

مجله دنیا شماره ۳، ۱۳۱۷.

این قضاوت روزیونیستها از آنجا سرچشمه میگردد که رژیم محمد رضاشاه را با مردم ایران در یک عرض قرار داده و نتیجه گرفتند که هر نوازشی بر محمد رضاشاه نوازشی بر مردم ایران و هر نیشی بر محمد رضاشاه نیشی بر مردم ایران است.

این قضاوت بخواهی روشن میگردد که روزیونیستها چگونه از موضع طبقاتی که هر گونه خدمت طبقه حاکم استوارگر را خیانت بخلق میدانند بدور افتاد مانند. با این "شبه استدلال" میتوان ککهای امریالیستها را نیز تیره کرد و شعبدها زانه گفت: اگر کک است پس غارت نیست و اگر غارت است پس کک نیست!

ما برای آنکه انحطاط روز افزون روزیونیستها را نشانیم بنقل عبارت زیرین از شماره دو سال پیش مجله دنیا (شماره ۲ سال ۱۳۱۵) (صفحه ۵۹) اکتفا میکنیم:

"گاهی هدفی کشور کک دهند این بوده است که گروه هیئت حاکمهای را تقویت کند که حاضر است به فرمان آنها گردن نهد و نقشهای آنها را اجرا کند. در موارد متعدد دیگر، کک فرع بر ملاحظاتی سیاسی و یا سوق الجیشی بوده است. در تاروپود جنگ سرد اغلب اتفاق افتاده که کک خارجی در عمل با تازیه تاوان یا جزیهای بیک رئیس گروه تقاضای نداشته است."

پیروز باد جنگ توده ای خلق قهرمان ویتنام

نشریات توفان

نشریه شماره ۲ توفان - آموزش خود را از نوبسازیم - نایاب کردیده ولی نشریات دیگر بشرح زیرین در دفتر روزنامه توفان حاضر است :

- ۱- سبک ذهنی در تفکر و عمل
- ۲- اصول مقدماتی فلسفه
- ۳- اعلامیه کمونیستهای انقلابی بلشویک شوروی
- ۴- رویزیونیسم در تئوری و عمل
- ۵- نامه به رفقا

بهای هر نشریه : ۴۰ ریال

دوره توفان

برخی از شماره های دوره سوم ماهنامه توفان که نایاب شده بود تجدید طبع گردیده و اینک مجموعه هائی از دوره سوم توفان از شماره یک تا نوزده ترتیب داده شده است . رفقا و دوستان که خواستار داشتن دوره توفان میباشند میتوانند بدفتر روزنامه بوسیله نامه مراجعه کنند .

بهای هر مجموعه از ۱ تا بیست توفان : ۲۰۰ ریال

خوانندگان گرامی!

برای ادامه حیات ماهنامه توفان - این یگانه زبان مارکسیست لنینیست های ایرانی - که تاکنون بیست اعضا و هواداران سازمان وعده ای از خوانندگان چرخیده لازم است همه خوانندگان همه هواداران همه اعضا سازمان توفان به پشتیبانی مالی وی بشتابند .

لنگ به توفان لنگ باشاه مارکسیسم - لنینیسم، لنگ بانقلاب ایرانست . از این جهت مصمانه بیاری توفان بشتابیم .

باج سبیل

شاید برخی از خوانندگان مجله تهران اکونومیست (۱۳۴۷) که با "اقتصاد" ایران آشنائی کامل ندارند چنین پنداشته اند که شرکت محترم آبادان ریکر این سنتر اقدامی غیر اقتصادی انجام داده است .

توضیح آنکه بنا بر نوشته مجله تهران اکونومیست اعضا هیئت مدیره شرکت مذکور (مرکب از آقایان امیر محمد شریفی و محمد شهریار و بانو فروغ اعظم خواجه نوری) ناکهان نشسته تصمیم گرفتند که دو میلیون و پانصد هزار ریال از ۱۱ میلیون ریال سرمایه خود را به والا حضرت شهرام پهلوی نیا "صلح کنند" و ضما معظم له را به ریاست هیئت مدیره برگزینند و این تصمیم را فی المجلس علی ساختند .

کسی که به ماهیت "انقلاب شاه و مردم" پی نبرده باشد بقینا از این خواب ناشدن هیئت مدیره مذکور در شگفت می ماند و با خود میگوید :

شرکی که بهتر از یک پنجم سرمایه خود را یک قلم بذل و بخشش میکند عقل معاشش کجا رفته است ؟

ولی این شک و تردید ناشی از بیخبری است . امروزه در ایران شرکت های سابق "با" حضرت ابوالفضل" جای خود را به شرکت "با والا حضرت" داده است . با این تفاوت که سابقا بنام حضرت ابوالفضل معامله میکردند بدون آنکه صد دینار هم به حساب او بنویسند . ولی حالا باید قبل از معامله ضمن معامه وبعد از معامله مبلغی بحساب والا حضرت ها بنویسند .

هیچ بنگاه بزرگ صنعتی و اقتصادی و مالی نیست که سبیل (یا زلف) یکی از افراد خاندان پهلوی را بشکلی از اشکال چوب نکند . در واقع هر یک از افراد این خاندان بطور مرتب از یک یا چند بنگاه معین بصورت هدیه تقدیم چک و واگذاری سهام و صلح کردن قسمتی از سرمایه باج میگیرد .

در زمان رضاخان مرسوم بود که فئودال های ایران برخی از املاک خود را به رضاخان "صلح میکردند" همه میکردند و یا در قاره بی می باختند تا از غضب وی در امان بمانند . اینک انقلاب آن نامرحوم بشکلی های دیگر به ادامه سنت پدری مشغول اند .

نوعی از ترکش رویزیونیسم بقیه از سر ۱ نویسنده وحی که اثرات اسلحه فروشی رویزیونیستها را در "نضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران اقتصادی" خلاصه میکند عمدترین مطلب را از نظر فرو میگذارد که گشادگی رویزیونیستها با دولت ایران علی الاصول بر اساس همکاری آنها با امپریالیسم آمریکا در تقسیم جهان قرار دارد . اگر این همکاری وجود نداشت ، اگر رویزیونیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا طبیعت واحدی نداشتند چگونه ممکن بود حکومت عد کونیست و دست نشاند های نظیر حکومت ایران دست در دست حکومت شوروی بگذارد و اسلحه و دانشناس از وی بخواهد ؟

در مهر ماه سال گذشته مجله خواندنیها نوشت که سابقا "سکوبه اصل فعالیت کمپانیهای نفتی غرب در خاورمیانه و ایران معترض بود و قرارداد های موجود نفتی خاورمیانه را تحمیلی و غیر قانونی میخواند" ولی اینک گفتارهای رادیو مسکو حاکی از عدول از این تبلیغ است و از اینجهت - بقول خواندنیها - "این گفتارها در محافل تهران جلب توجه کرده است" .

معنای این خبر چیست ؟ معنایش اینست که در گذشته ، در روزگاری که هنوز رویزیونیسم خون رهبران شوروی را سیاه نه کرده بود مسکوبه امپریالیستها میگفت : ایران را بحال خود بگذارید ، از سر این خواندنیها بچما بر خیزید . ولی گفتارهای بانها از گونه دیگر است . مسکوبه آنها میگوید : برای من نیز جانی در کنار خود باز کنید ، از این خواندنیها بچما بمن نیز نصیبی دهید - فروش اسلحه و اعزام دانشناسان شوروی بایران از نتایج چنین تقسیم غنائی است .

"همه با هم در راه عارت" - اینست موضع رویزیونیست ها در قبال امپریالیستها ، و اینست آنچه بارعای نویسنده نامه موجب تشدید نضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران های اقتصادی خواهد شد !

نویسنده بمنظور تیرش اسلحه فروشی شوروی بایران بطرح این سؤال میردازد : "آیا فروش اسلحه مانع از جنبش های دموکراتیک خواهد شد و آیا در صورت خود داری از فروش اسلحه ، دولت ایران در ضمیمه اسلحه قرار خواهد گرفت؟" این سؤال شگفت انگیزی است . سلما هیچ فروش اسلحه نمیتواند برای همیشه از جنبش دموکراتیک جلو گیرد . ولی آیا باین دلیل میتوان اسلحه فروشان را تیرش کرد ؟ تاریخ نشان داد که کوره های آدم سوزی هیتلر نیز نمیتواند از قیام خلق ها جلو گیرد . ولی آیا باین دلیل میتوان آدم سوزی هیتلر را تیرش کرد ؟ بدون تردید اگر آزموده و بختیار هم نبودند محمد رضا شاه در یافتن جلا در ضمیمه نمیداند . ولی آیا باین دلیل میتوان آزموده و بختیار را تیرش کرد ؟

تفاوت اسلحه فروشی رویزیونیستها با اسلحه فروشی امپریالیستها در اینست که چون رویزیونیستها خود را رؤسای دولت سوسیالیستی و جانشینان لنین ، مجریان سیاستی بسود خلق ها میشمارند و هنوز بخشی از مردم جهان را در دام فریب خویش نگه داشته اند ، بورد سیاسی سلاح آنان بر ضد خلق ، بمراتب بیشتر و گولهای آنان زهرناکتر از گولهای امپریالیستهاست . اسلحه امپریالیستها فقط جسم مبارزان ایران را هدف میگیرد و اسلحه رویزیونیستها هم جسم و هم جان آنها را نشانه میبرد . اسلحه فروشی شوروی بایران امری منفرد و تصادفی نیست بلکه یکی از ظواهر سیاست وی در عرصه جهان است . با پی آترو در کنار احیای سرمایه داری در شوروی ، اجرای دیپلماسی محرمانه "تلفین سرخ" ، تقسیم جهان با آمریکا ، بندوست با امپریالیسم آمریکا بر سر انحصار برب انبی ، تسلیم طلسم در حاکم کها ، خیانت مضاعف خلق ککوک ، ایفا نقش دورویانه در مورد جنبه قهرمانانه خلق ویتنام ، تجاوز مسلحانه بر کشور چکاسلواکی ، تسلیم طلسمی در مسئله برلین و فدا کردن حقوق جمهوری دوم - کراتیک آلمان ، انواع و سائس بمنظور خاموش ساختن مقاومت مسلحانه خلق های عرب در برابر تجاوز اسرائیل ، پشتیبانی از دولت های دست نشاند امپریالیستی ، جنسی ، هپ آفوشی با محمد رضا شاه . . . نهاد تا بخواهی بتوانی دریافت که این تیر از ترکش کیست .

کدام آموختن ؟

"آموختن بر منوع است ؛ یکی آموختن دکاتیک ، که عبارتست از اقبال همه چیز ، خوابا شرایط کشور ما سازگار باشد و در انباشد . این نوع آموختن خوب نیست . نوع دیگر عبارتست از نگارند آموختن مغزها در خود آموختن آن چیزی که با شرایط کشور ما سازگار است ؛ یعنی فراگرفتن آن تجربه ای که میتواند برای ما سودمند باشد . اینست آن نوعی از آموختن که ما باید برگزینیم"

مائوسه دون

در دوره طبقه کارگر قهرمان ایران بقیه از سر ۱ به پیروزی کامل نائل آید و به انقلاب سوسیالیستی بینجامد . وظیفه مارکسیست ها - لنینیست ها فقط تشریح وضع ناگوار طبقه کارگر ، کمی دستمز و افزونی بیگاری و شیوع بیخانمانی نیست . این کار را لیبرال ها و رویزیونیستهای منافق نیز انجام میدهند . وظیفه مارکسیست ها - لنینیستها آماده ساختن طبقه کارگر برای ایفا نقش تاریخی خود ، نقش رهبری انقلاب ایران است و این امر فقط از راه احیای حزب طبقه کارگر ایران ، بختابه ستاد طبقه ، امکان پذیر است .

انگلس میگفت که حزب طبقه کارگر برای تسخیر قدرت نباید نخست از شهر به ده برود و در ده نیرومند شود . اهمیت این آموزش انگلس در شرایط امروز که جنگ تودای برای تسخیر قدرت در برنامه ماست نمایان تر میگردد . اندیشه راهبانه مائوسه دون در مورد "تسخیر شهر از طریق روستا" تکمیل همین آموزش انگلس است . طبقه کارگر ایران باید از گذشته بیاموزد ، نصیر عمده کار خود را که در مورد دهقانان بود بر اندازد و در نبرد مسلحانه برای سرنگونی نظام کثونی با توده دهقانان پیوند یابد . اتحاد طبقه کارگر با سایر طبقات و قشرهای دموکراتیک مانند خرد بوزروازی شهری ، روشنفکران و بوزروازی طی فقط در پرتو این پیوند میتواند بر قرار و استوار گردد .

جنبش اول ماه که جشن همبستگی همه کارگران و زحمتکش و خلق های جهان است در شرایطی فرا میرسد که پیروزی ها عظیمی نصیب طبقه کارگر جهانی شده است . در چنین تودای با هفتصد میلیون جمعیتش طبقه کارگر پس از سرکوب رویزیونیستها و پیوندگان راه سرمایه داری در کله رشته ها زمام رهبری را در دست گرفته است . طبقه کارگر و خلق آلبانی بر سراسر اروپا پرتو مارکسیسم - لنینیسم میافشاند . طبقه کارگر در جهان سرمایه داری روز بروز بیشتر از قید رویزیونیسم میرهد و برامپیکار قطعی گام میگذارد . معاضدت طبقه کارگر جهانی با خلق های منطقه تسخیر خواهد شد .

در مبارزه بر علیه امپریالیسم و رویزیونیسم پیوسته تحکیم مییابد . طبقه کارگر کشورهای رویزیونیستی برای سرنگون ساختن غاصبان قدرت حزبی و دولتی بیدار میشود . همه این پیروزیها پیروزیهای طبقه کارگر چین برای طبقه کارگر ایران الهام بخش است ؛ جنبش اول ماه را بر پای بداریم و در وفاداری به آرمان مقدس طبقه کارگر ایران و جهان تجدید عهد کنیم .

بیار آوریم مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ایران را . همه نیروها را در راه احیای حزب طبقه کارگر ایران یکبار اندازیم . همبستگی با طبقه کارگر جهانی و دفاع از جمهوری تودای چین و جمهوری توده ای آلبانیا و وظیفه مقدس خود بشناسیم . برجم سرخ بر افتخار طبقه کارگر ، برجم مارکس ، انگلس ، لنین ، مائوسه و دون را افزاشته تر نگه داریم فرخنده باد جشن اول ماه . در دوره به طبقه کارگر قهرمان ایران .

● عنوان جدید مکاتبات : X GIOVANNA GRONDA 2030 VILLA D'ADDA/ITALY

● حساب بانکی : X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

پیروز باد مبارزه قهرامین خلق دلاور فلسطین

دست از چین توده‌ای کوتاه!

تحریکات رویزیونیستهای شوروی در مرز جمهوری توده‌ای چین حادثه‌ای تصادفی نیست. این تحریکات نتیجه صریح سیاست - سوسیال امپریالیست، سیاست احیا، سخن تعدی و تهاجم نزارهای روسیه است. با آنکه در گذشته در اثر سیاست راهزنانه امپریالیستها و نزارها قرارهای ظالمانه ارضی بر کشور چین تحمیل شده که قسمتهای بزرگی از خاک وی را جدا کرده جمهوری توده‌ای چین بی‌پایه و نامرغی حل شد. ولی از آن زمان که رویزیونیستها قدرت را در حزب دولت شوروی عصب کردند و مزورانه از حل مسائل عملی مرزی خود با جمهوری توده‌ای سر باز میزنند و بی‌پایه‌های واهی با ایجاد حوادث خونین توسل میجویند. تحریکات اخیر مرزی آنها بویژه اهمیت خاصی است:

رویزیونیستهای شوروی که در اثر پیروزی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاری از حیات رویزیونیسم در جمهوری توده‌ای چین مایوس شدند موسخت به خشم آمدند تا بخراند به "تأیید قدرت" روی آورد و ضمناً وسیله‌ای برای حملات سیاسی بر جمهوری توده‌ای چین ترانسیده اند. تحریکات اخیر رویزیونیستهای شوروی را باید در زمینه همکاری آنها با امپریالیسم امریکا قرار داد. کیستند اند که امپریالیستهای بزرگترین دشمن خود را در وجود جمهوری توده‌ای چین، این دروازه سوسیالیسم، این مرکز انقلاب - پانی میبینند و سنی را که برای این جمهوری حنبه میکنند صمیمانه میفشارند. بی‌شک نیست که رویزیونیستهای شوروی بلافاصله پس از آنکه تحریکات مرزی را بر اثر ندرت امپریالیستهای امریکائی، فرانسی و آلمانی شناخته‌شده شد سنی خویش را مژده دادند و الطاف آنان را خواستار شدند. بی‌شک نیست که امپریالیستهای امریکائی را بر آنها کشورها درین دست برسز سلاح اتنی موافقتی کردند. راندن نانکهای رویزیونیستهای شوروی بر سر خلق چکسلواکی، ر ساژ رویزیونیستهای شوروی بنظر خود خاموش کردن جنبش خلق ویتنام و جلوگیری از شکست قطعی مهاجمان امریکائی، معاطله بر سر سر نوشت جمهوری دیمکراتیک آلمان و تسلیم شدن بنطوطه فاشیستهای آلمان در برلین، نعضه کشیدن در ساری خلق سلاح پارتیزانهای فلسطینی و سندن در سنیهای خلقهای عرب در برابر تهاجم سیمانه اسرائیل، تقویت رویزیونیستهای شوروی از حکومتهای ساخته و پرداخته امپریالیسم امریکائی نظیر رژیمهای امریکائی جنوبی و ایران... و اینک تحریکات خونین در مرز جمهوری توده‌ای چین، هماینها ظاهر مختلف است از سراسر رویزیونیسم و امپریالیسم در تمام جهان. رویزیونیستهای شوروی میخواهند در ردا اگر آن آینه‌ها گاسیکیم - نیکسون تحریکات ضد جمهوری توده‌ای چین را سرمایه بند دست های تشکیل جدید خویش بگردانند.

ضمناً رویزیونیستهای شوروی امیدوارند که حوادث مرزی با چین توده‌ای را وسیله‌ای برای تحکیم سیادت خود در میان و در شرق قرار دهند. کشور اروپای شرقی را بیشتر از پیش رزنجیر اسارت بکشاند و سوسیالیسم را با جراهای سیاسی سوق دهند. اما هماین تشبیهات جز اینک مقصور بر رویزیونیستها را تسریع کند نتیجه دیگری نخواهد داشت. رویزیونیستهای شوروی و امپریالیستهای امریکائی که در کردارهای ارتضاد هادست و میزینند و تخریق هراسزد مرامیاند که هر چه بیشتر یکدیگر را آویزند و زود تفرقه خواهند شد. شائتا و اتنی آنها نیز نمیتواند تختهای منجات آنها باشد. چین توده‌ای با هفتصد میلیون جمعیتی که صلح باند بشه صفر بخش مائوتسه دون است و برای هر کوفته‌ها کاری در راه انتزاع سوسیالیسم پرولتاری آماده است و تسخیر ناپذیری است. همه زحمتکشان جهان، همه خلقهای شیفته آزادی بانام نیرو ارجین توده‌ای دفاع خواهند کرد. خلق شوروی نیز از وارد کردن ضربه‌ها کبر رویزیونیستهای شوروی باز نخواهد ایستاد. خلق شوروی خلق بزرگی است و سابق درخشان انقلابی دارد، موجود انقلاب کبیرا کبیر سازنده نخستین دولت سوسیالیستی است و آموزش لنینی و استالینی الهام بخش اوست. هرگز نباید خلق شوروی را با رویزیونیستهای شوروی اشتباه کرد. هر چه رویزیونیستهای شوروی در راه احیای تاشکار ترس بنازند بیداری خلق شوروی زود تر صورت خواهد گرفت و در کار خلق چین و سایر خلقهای جهان سرنگون ساختن رویزیونیسم و امپریالیسم قیام خواهد کرد.

مرکز بنزارهای معاصر.

نیرو ضد باد جمهوری توده‌ای چین در دروازه سوسیالیسم و مرکز انقلاب جهانی.

برقرار ایاد انتزاع سوسیالیسم پرولتاری و همبستگی همه خلقهای جهان بر ضد رویزیونیسم و امپریالیسم.

برافراشتن باد پرچم پیروز مارکس، لنین، استالین و مائوتسه دون.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ۱۳۴۸/۱/۱ - ۱۹۶۹/۲/۲۱

تگیری از ترکش رویزیونیسم

نویسنده فراموش میکند که آن کشوری که بازار کشور دیگر را در قبضه خود بگیرد سوسیالیستی نمیتواند باشد، غارتگر است و امپریالیستی است و با سایر امپریالیستها هیچ تفاوت ماهوی ندارد. و کشوری که بازار خود را در قبضه خود نداشته باشد مستقل نیست، وابسته است به غارت زده است. انقلابیون و کوم - نیستهای واقعی ایران مبارزه میکنند تا بازار ایران را به قبضه خلق ایران بیاورند نه اینکه آن را از دست پخماکری بدست پخماکر دیگر انتقال دهند. خلق ایران نه به کهن دزد اول احتیاج دارد نه به کهن دزد دوم.

چه آرزوها که نویسنده از هوود کارشناسان شوروی در دل میرواند ولی نمیکود که ضنه این آرزوهای خوش چیست؟ کارشناسانی که محمد رضا شاه را " رهبر خردمند ملت ایران " میدانند و دعا میکنند که سایه او از سر ملت ایران کم نشود، کارشناسانی که جبریان نقشه های نواستعماری محمد رضا شاه را چه تقاضی با کارشناسان امپریالیستی دارند؟ کارشناسانی که طریز بکار بردن آخرین مدل های اسلحه را به محمد رضا شاه و آد پکشان وی میاموزند چه درسی جز قبول اسارت بخلق ایران خواهند داد؟ کارشناسانی که رامیزنان شاه در حفظ رژیم موجود اند چه نسبتی با خلق ایران میتوانند داشته باشند چه نسبتی که مستشاران امریکائی دارند؟

صفحات معدود ماهنامه توفان امکان نمیدهد که نامهای فراوانی را که از ایران و خارج از ایران در پیرامون مسائل مختلف دریافت می‌داریم (و عموماً در تأیید سنی توفان است) ضعکر کنیم. ولی یکی از آنها را که نوشته رفیقی از ایران است و ارزیابیهای مخالف ارزیابیهای ما دارد بناچار باید ضذکر شویم و مورد تحلیل قرار دهیم. زیرا که اولاً نمیتوان رفیقی را که " تنها هدفش بهبود وضع نشریه توفان میباشد " بیجواب گذاشت و ثانیاً بحث درباره برخی از نکات نام وی ممکن است برای خوانندگان دیگر نیز جالب باشد.

نویسنده طرفدار اسلحه فروشی شوروی به محمد رضا شاه است و آنرا غیر از اسلحه فروشی امریکائی میدانند و بسود خلق ایران میشارد. وی مینویسد: در اینجا " خلا میبایست مسائل ذیل مورد بحث قرار گیرد: ۱ - مقایسه بین ضرر معنوی فروش اسلحه در میان مردم ایران و ارزش مادی آن: نظیر ورود کارشناسان، قبضه نمودن بازار کشورهای امپریالیستی، ارزش تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحرانهای اقتصادی و اثرات مثبت و منفی دیگر... "

نویسنده تحت تاثیر تبلیغات رویزیونیستها چنین می‌پندارد که اگر بازارهایی که امروز در قبضه کشورهای امپریالیستی است - و از آنجمله ایران - به قبضه کشورهای رویزیونیستی در آید این امر در جهت استقلال اقتصادی آنها و بسود خلق آنها:

راه‌رهایی خلق کرد

نشریه مورخ ۶۸/۱۲/۱۲ "سازمان روشنفکران کرد ایران" مارابریان داشت که بار دیگر نظریات خود را درباره مسئله ملی و راه‌رهایی خلقهای ایران از ستم ملی یاد آور شویم. نشریه نامبرو مدعی است که " در داخل احزاب و سازمانهای ملی و شرقی نیز مسئله ملی و راملل صحیح و پیگیر آن آنچنانکه شایسته است به صراحت مطنی نگردیده است. " سازمان ما با انتشار دو سند در ماهنامه توفان با صراحت و بدون هیچگونه ابهام مسئله ملی را در ایران مطرح کرده و راه حل آنرا نشان داده است. از مدلول نشریه چنین برمیآید که دوستان کرد بنظریات ضدین در این دو سند توجهی مبذول نداشتند و یا نخواستند اند جدول دارند و بجای آنکه لااقل مسئله ملی و بطور اخص مسئله اقلیت ملی کرد را در ایران بشیوه خود مطرح ساخته و راه حلی بر آن ارائه دهند، نظریاتی ابراز داشته اند که نه تنها بیرون کردن امر ککی نمیرساند بلکه برابها و عدم صراحت آن میافزاید.

ما بر آنیم که اقلیت ملی کرد در ایران بخشی از خلق باستانی کرد است که در نتیجه حوادث تاریخی قرون گذشته و حاضر در کشور ایران و عراق و ترکیه زندگی میکنند؛ ما بر آنیم که خلق کرد در ایران نه تنها از سلطه امپریالیسم و ارتضاع رنج میبرد بلکه گرفتار ستم ملی نیز هست و ستم ملی بطور عمده در ضرورت خلق کرد از زبان و فرهنگ ملی تظاهر میکند؛ ماحق خلق کرد را در تعیین سر نوشت سمن و سمن حشر چمن مارم و خاطر تحقق آن مبارز می‌کنیم. ما طرفدار نسای کامل حقوق خلق کرد با سایر خلقهای ایران هستیم و بر آنیم که فقط نسای کامل میتواند خلق کرد را بادیگر خلقهای ایران در مبارزه با امپریالیسم و حکومت دست نشانده آن، در استقرار حکومت دیمکراتیک نوین و در داخل این حکومت بر اساس دواطلبی ضد سازد؛ ما بر آنیم که حل مسئله ملی تنها در صورت پیروزی انقلابی و دیمکراتیک برهیمی طبقه کارگر ایران امکان پذیر است؛ تنها طبقه کارگر میتواند با آزاد ساختن خود از یوغ استعمار و استثمار خلق کرد را از ستم ملی رهایی بخشد، تنها طبقه کارگر میتواند خلق کرد را با خلقهای دیگر ایران بر اساس نسای کامل حقوق می‌بافزاید و دهد و ضد سازد.

نامین حقوق ملی خلق کرد، آنطور که رویزیونیستها اشاعه می دهند، کار " یک حکومت دیمکراتیک " نیست کار " حکومت دیمکراتیک نوین " است که رهبری آن با طبقه کارگر است. اشتباه است اگر تصور کنیم که در ایران یک حکومت دیمکراتیک بورژوازی به محل مسئله ملی خواهد پرداخت و سمنه سویم را سرسوق خود قرار خواهد داد. درست است که حل مسئله ملی در ایران در زمره اقدامات دیمکراتیک است و نه سوسیالیستی، ولی در شرائط کنونی ایران و جهان این اقدام دیمکراتیک مانند بسیاری از اقدامات دیمکراتیک دیگر فقط با دست طبقه کارگر میتواند جامه عمل بیوشد.

اینها حقایق است علمن که مارکسیست - لنینیستهای عقیبان باور دارند و هر مبارز ایرانی متعلق به هر یک از خلقهای ایران کسه باشد، اگر او اقدام در اندیشه حل مسئله ملی است بناچار باید در دنبال حل علمی آن روان گردد. هر راه دیگری و بویژه راه پیروی از ناسیوالیسم بورژوازی به بن بست خواهد انجامید و برای خلقهای ستم دیده ایران آزادی و نسای حقوق بارمغان نخواهد آورد.

بعضی از ناسیوالیستهای کرد " شمار " کردستان واحد " را مطرح میسازند که باید اقلیت ملی کرد را در سه کشور ایران، عراق و ترکیه در کشور واحد و ملت واحدی ضد سازد. با کمال تاسف باید گفت که این شعار در اوضاع و احوال حاضر تحقق پذیر نیست و هر کوششی که در جهت آن بعمل آید بجای آنکه آزادی خلق کرد مد در ساند آنرا تاخیر میاندازد. بنظر ما یگانه راه رهایی خلق کرد اینست که اقلیت ملی کرد در هر یک از کشورهای ستمگانه فوقی، باید همراه دیگر خلقهای کشوری که در آن بقیه درص ۲

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده‌ای است

